

واکوی نقش مشارکت شهروندان در بازآفرینی شهری

محمدرضا قادری^{۱*}، مهدی برزویی^۲، علی مقصودی^۳

۱ - نویسنده مسوول، کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه بیرجند ،

ghaderim9@gmail.com

۲ - دکترای مدیریت استراتژیک کسب و کار، معاونت محترم بازآفرینی شهری شهرداری سبزوار

Mahdi.borzooii@gmail.com

۳ - دانشجوی کارشناسی راهنمایی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان تهران، پردیس شهید چمران

maghsoodi9@gmail.com

چکیده

امروزه بازآفرینی شهری به عنوان یکی از ضرورت های توسعه در جوامع بشری محسوب می شود؛ در این راستا، مشارکت شهروندان بستر این مهم را فراهم می سازد. مشارکت شهروندان زمینه ساز توسعه است. هدف: پژوهش حاضر واکوی مشارکت شهروندان در تحقق بازآفرینی شهری ، مفهوم بازآفرینی شهری و ارائه راهکارها جهت مشارکت شهروندان در رشد و ارتقاء توسعه محلات است . پژوهش حاضر به شیوه مرور مقالات و مطالعه ی کتابخانه ای به کمک کلمات کلیدی انجام گرفته است. نتیجه گیری: یکی از مهمترین ارکان بازآفرینی شهری که توسعه به همراه دارد، نقش مشارکت شهروندان است. بازآفرینی شهری فرهنگ و ایدئولوژی رشد، پیشرفت و ارتقاء جنبه های مختلف ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، عمرانی و ... را به جامعه منتقل می کند. مشارکت عمومی به عنوان محرکه ی بازآفرینی شهری می باشد. بازآفرین شهری در محدوده و محلات حاشیه نشین، هویت اجتماعی و اهمیت نیرو و سرمایه ی انسانی را یادآوری می کند.

کلیدواژه: ، مشارکت شهروندان، بازآفرینی شهری،

۱. مقدمه

نظر به اینکه مشارکت، وسیله ای برای دستیابی به اهداف توسعه انسانی و یک ارزش مستقل در توسعه جوامع شهری به حساب می آید، نقش مردم در تمامی امور اجتماع پیش از پیش ضرورت می یابد.

حق تعیین سرنوشت مردم به دست خودشان که از حقوق طبیعی و خدادادی آنها است مورد پذیرش اغلب نظام های حاکمیتی در دنیا در دهه های اخیر قرار گرفته است، حال آنکه نظریه های برنامه ریزی در جهان در نیمه ی قرن بیستم به مشارکت و انسانی شدن طرح ها تاکید نموده و بر لزوم به کارگیری روش های مشارکتی صحنه گذاشته اند. امروز به جرات می توان مشارکت را از الزامات زندگی شهری دانست و مدیریت شهری تلاش می نماید شهرنشینان به نوبه ی خود احساس مسئولیت کنند و از حالت یک شهر نشین عادی به یک شهروند مسئولیت پذیر تبدیل گردند و زمینه ی حضور مردم را فراهم نمایند. در سال های اخیر نقش مشارکت شهروندان در خصوص مسائل شهری و مشارکتی جدی تر گرفته شده است تا آنجا که بستر بازآفرینی شهری و توسعه آن را فراهم می آورد.

از سوی دیگر، ارگان های دولتی، مقامات تصمیم گیرنده و مجریان طرح ها، همگی به این موضوع واقف شده اند که حضور و مشارکت مردم در امور شهر به ویژه بافت های فرسوده و تاریخی، نقش اصلی را در تحقق پذیری این طرح ها ایفا می نمایند. توسعه پایدار شهری از طریق تصمیم گیری مشارکتی در سطح محلی امکان پذیر می گردد زیرا این سطح مماس با نیاز های زندگی افراد است (معینی فر؛ پاکشیر؛ شعله و حاجی پور، ۱۳۹۲). همچنین تکامل رویکرد های نوین همچون بازآفرینی شهری با تاکید بر مشارکت مردم است. عمده متخصصان و تحلیلگران مسائل اجتماعی و توسعه به لحاظ نظری و تجربی دریافته اند که مشارکت اجتماعی شهروندان در غالب شبکه های رسمی و غیر رسمی عامل حیاتی و مهم توسعه شهری و حل معضلات و مشکلات به ویژه بافت های ناکارآمد شهری هستند و توافق عمومی و تشکیل اجتماعات محلی لازمه ی بازآفرینی شهری است (کشاورز، ۱۳۹۵). برای رسیدن به سطح مناسبی از سلامت و توسعه اجتماعی، مشارکت واقعی و همه جانبه افراد و گروه های اجتماعی، از مشارکت در تفکر و تصمیم گیری تا برنامه ریزی و اجرا و در نهایت ارزشیابی برنامه و سهمی شدن منافع، ضروری است.

۲. مشارکت و بازآفرینی شهری

مشارکت از الزامات زندگی شهری است و هنگامی تحقق می یابد که شهر نشینان از حالت زندگی فردی درآمد و با احساس مسئولیت و دغدغه ی خیر جمعی تبدیل به شهروند شوند (نقل دریزدانیان و کشت کار، ۱۳۹۲).

این مفهوم کلیدی، امروزه در کلیه زمینه های اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و ... مطرح می شود و توسعه سریع و روزافزون آن، مدیون این حقیقت است که دولتمردان درک کرده اند، گستردگی پیچیدگی ابعاد زندگی مدرن، فراتر از توانایی ایشان برای شناسایی و غلبه بر آن است. از آنجا که مشارکت در حوزه شهرسازی و طراحی شهری، فرایندی است که عموم مردم را در ارتباط با تغییرات شهر، دخیل می نماید کاوان^۱ (۲۰۰۵)، لذا به نظر میرسد که استفاده از آن در تمامی جوانب زندگی شهری، یکی از

^۱. Cowan

کلیدهای توسعه است و انعکاس این امر در حوزه مرمت شهری، اتکاء به همیاری مردم و استفاده از رویکرد مشارکت جویانه در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده خواهد بود (ظرابی و تهرانی، ۱۳۸۸).

در این راستا، مشارکت عمومی از مهمترین اصول و مقدمات موفقیت در بازآفرینی شهری است. برقراری مشارکت عمومی در بازآفرینی شهری نیازمند حمایت قانونی است و باید برای آن چهارچوبی حقوقی در نظر گرفته شود که ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی، و کالبدی را در بر بگیرد. مشارکت با درگیر ساختن تعداد زیادی از مردم اداره امور جامعه، ثبات و نظم را افزایش می دهد و با ارائه فرصت اظهار عقیده به هر شهروند، مصلحت اکثریت را تامین خواهد کرد (رضایی، ۱۳۷۵).

مفهوم مشارکت از دهه ی ۱۹۷۰ به بعد است که در ادبیات توسعه رویکرد های مشارکتی مورد توجه واقع می شود؛ مفهوم مشارکت نیز همانند همه پدیده ها، در فرایند ظهور و بروز خود از مراحل مختلفی عبور کرده است. کائتری پیوستگی و وقوع آن را به صورت زیر جمع بندی می کند:

۱- مشارکت ابتدایی و رسمی که بیشتر به گفتگو با مردم شهرت دارد و نهاد های مذهبی در گذشته برای جذب افراد به فرقه های خود از آن به نحو گسترده ای استفاده می کردند.

۲- مشارکت رفتارگرایانه و شرطی، نوعی از مشارکت اجتماعی است که با فنون اجتماعی-روانشناختی، رسانه ای آموزشی و ساختارهای فرهنگی انجام می شود و از سازماندهی فعالیت های فرهنگی، انگیزش شخصی و پرورش رهبران (برگزیدگانی که با الگویی از پیش سنجیده تعلیم می بینند) استفاده وسیعی می کنند (دستکاری/مشارکت).

۳- مشارکت انسجام گرا بر آن است که اتحاد یا جذب بهترین شیوه مشارکت است. کنش آن بر ادغام اجتماعی، اقدام فرهنگی یا اجتماعی کردن مبتنی است. اما با آنکه در سطح اقتصادی غالباً کارایی دارد، در سطح فرهنگی، مشکل آفرین است؛ زیرا مانند همه انواع دیگر ادغام می کوشد مردم را مطابق با الگویی از پیش تعیین شده همسان کند (مشارکت ابزاری).

۴- مشارکت به عنوان یک فرایند اجتماعی، عام، جامع، چند جالنبه، چند بعدی و چند فرهنگی که سعی دارد همه ی گروه های مردم را در همه مراحل توسعه، شرکت دهد. از این دیدگاه، مشارکت چیزی جز برنامه ای برای جامعه نیست که بر محور نظریه ای باز و قابل اصلاح قرار دارد و از جریان های اصلی تفکر دوران بهره می گیرد. این پیشرفته ترین مفهوم مشارکت است (رجبی و حصاری نژاد، ۱۳۹۲).

همسو با مبانی نظری مطرح شده در خصوص مشارکت شهروندان در روند بازآفرینی شهری یکی از روش های جامع که در برگیرنده اغلب شیوه های مشارکت مردم نیز به شمار می آید، فرایند همکاری پایدار^۱ است که در ذیل به تشریح مراحل و نمونه موردی اجرا شدهی آن پرداخته می شود:

۱- به دست گرفتن ابتکار عمل: به معنای ابتکار شروع پروژه توسط مردم، گروه، یا سازمانی محلی و یا دولتی است. احساس نیاز، وجود خلاقیت و همچنین قدرت و توان مطرح کردن آن خواسته، از ضروریات شروع پروژه است

۲- تعریف دیدگاهی مشترک: به معنای روشن کردن همه ی ابعاد مسئله نظیر اینکه: چه کسانی از پروژه مورد نظر تاثیر می پذیرند؟ چه سازمان و گروهی مدیریت پروژه را بر عهده می گیرد؟ روند انجام پروژه چگونه است؟ سازمان ها و گروه های درگیر چه کسانی هستند؟ مسئولیت هر یک از گروه ها چیست؟ نحوه مشارکت ساکنین چگونه است؟

۳- ادارک موقعیت: به معنای پیمایش سریع اما سیستماتیک همه سطوح تحلیل مکان به لحاظ پایداری (مردم، اجتماع، فعالیت ها، مکان، منابع) است. این کار با در نظر گرفتن نیازها و منابع محل، در سطوح مختلف انجام می شود. آنچه اهمیت دارد جامع و فراگیر بودن آن است به طوری که همه ی موضوعات را مد نظر قرار دهد.

۴- توسعه ایده ها: به معنای فراهم آوردن شرایطی برای خلق ایده های مختلف، پرورش ایده ها و ارزیابی آن ها با توجه به معیار های پایداری است. در تمام این مسیر متخصص نقش راهنما را ایفا کرده، مسائل و مشکلات پیش رو را هموار می کند.

۵- توافق روی برنامه ای سازمان یافته: به معنای رسیدن به طرح یا برنامه ای مشترک است؛ برای این کار باید ابتدا روی جوانب طرح به توافق رسید.

۶- اجرا: به معنای عملی کردن و تحقق برنامه یا طرح است.

۷- درس آموختن: به معنای درس آموزی از هر مرحله از طریق ارزیابی آن و نظارت بر انجام درست آن می باشد. نظارت در طول فرآیند و ارزیابی پس از انجام آن به اتخاذ روش درست در طول فرآیند و در پروژه های بعدی کمک می کند.

با توجه به مبانی نظری مطرح شده در خصوص مشارکت عمومی، نمونه موردی که برگرفته از فرایند مشارکتی و جمعی برای بازآفرینی شهری اجرا شده است پرداخته می شود.

نمونه موردی:

در جهت بررسی کارایی و اثر بخشی همکاری پایدار در روند اجرایی بازآفرینی شهری که بستر آن را مشارکت عمومی/مردمی فراهم می سازد، نمونه موردی شهر له^۲ تبت ارائه می گردد: شهر "له" در ایالت لاداخ تبت واقع شده است و مرکز این ایالت محسوب می شود. لاداخ از ایالات باستانی تبت است که بخشی از کاشمر هند در اواسط قرن نوزدهم محسوب می شده است و دارای بافت با ارزش تاریخی، با

^۱ Sustainable Collaborative approach

^۲ Leh

لاخص در بخش مرکزی است. شهر "له" ۲۵۰۰۰ هزار نفر سکنه دارد، که تعداد این سکنه در فصول گردشگری نظیر تابستان افزایش می‌یابد زیرا علاوه بر حضور گردشگر، تعداد زیادی از مردم هندوستان نیز برای یافتن کار به این شهر مراجعت می‌نمایند. از آنجا که گردشگری در این شهر منبع اصلی تامین معاش مردم به شمار می‌آید، لذا جذب گردشگران و تامین امکانات لازم برای آن‌ها، از جمله مسائل مهمی است که مردم و مسئولین همواره با آن درگیر بوده‌اند.

علاوه بر این مسئله، فرسودگی بافت شهر از جمله مسائل مهمی بود که مسئولین را در سال ۲۰۰۱ بر آن داشت تا طرح مرمت و بهسازی شهر "له" را در دستور کار خود قرار دهند. در این شهر فرسودگی بافت در هر سه بخش کالبدی، عملکردی و تصویر ذهنی وجود داشت و اختلاط و تنوع قومی در این شهر به شدت مشکل‌زا بود، لذا مسئولین بر آن شدند تا در طرح مرمت و بهسازی شهر از مشارکت مستقیم مردم در کلیه مراحل استفاده نمایند. بدین ترتیب طرح مرمت و بهسازی بافت در غالب فرایندی در ۸ گام آغاز گردید:

این فرآیند که شامل هر سه مرحله اصلی فرایند مشارکتی (پیش طراحی، طراحی و اجرا) می‌باشد به قرار زیر است؛

مرحله اول: معرفی مشکلات (به دست گرفتن ابتکار عمل - ادارک موقعیت)

علاوه بر کمبود امکانات گردشگری و فرسودگی بافت، مشکلات عمده دیگری که مردم و مسئولین با آن درگیر بودند عبارتند از: کیفیت پایین زندگی، عدم فعالیت دولت در بخش قدیمی شهر، فقیر بودن مردمی که دارای مالکیت زمین نبودند، از دست رفتن هویت فرهنگی به دلیل مهاجرت و تغییرات سریع اقتصادی از دست رفتن مهارت‌های سنتی که به دلیل اقتصاد مدرن مورد استفاده قرار نگرفت و ...

مرحله دوم: تجزیه و تحلیل مشکلات (به دست گرفتن ابتکار عمل - ادراک موقعیت)

در این مرحله مشکلات شناسایی شده مورد بررسی دقیق کارشناسان قرار گرفت و از مردم برای ارائه راه حل‌های لازم نظر سنجی به عمل آمد. همچنین موقعیت شهر به لحاظ مشکلات مختلف مورد سنجش قرار گرفت.

مرحله سوم: بررسی مناقشات میان سازمان‌ها و گروه‌های مختلف (تعریف دیدگاه‌های مشترک)
در این مرحله گروه‌های مختلف (قومی، اقلیتی، و ...) شناسایی شد و از کلیه آنان دعوت به همکاری صورت گرفت.

مرحله چهارم: مشخص نمودن استراتژی کار (توسعه ایده‌ها) پس از تجزیه و تحلیل مشکلات استراتژی‌های زیر در دستور کار قرار گرفتند:

انجام هماهنگی‌های لازم با بدنه‌های مختلف دولتی به منظور ایجاد زیرساخت‌های لازم، طراحی مدلی که حداقل ۵۰ درصد نیازمندی‌های ساکنان را برطرف سازد: ساخت خانه/ ساخت حمام با سیستم زه‌کشی مناسب/ استفاده از نیروها و مهارت‌های محلی/ تامین روشنایی و منازل و معابر و ... ، شروع یک برنامه آموزشی، انتخاب مدل بازسازی شهر، ایجاد یک مرکز محلی برای تجمع مردم و ادامه پروژه‌ها در آینده.

مرحله پنجم: تنظیم هسته ی گروه متشکل از افراد دارای مهارت های لازم (توافق روی برنامه ی سازمان یافته)

از آنجا که بخش وسیعی از جمعیت این شهر را گروه های کارگر دارای مهارت های لازم تشکیل می دادند در تحقق طرح سعی بر آن شد که از این مهارت های محلی به ویژه مهارت های زنان استفاده گردد. اما به دلیل اینکه بسیاری از فعالیت ها نظیر احداث زیرساخت ها نیازمند گروه های تخصصی ویژه بود، از مهندسان و متخصصان نیز در عملیات اجرایی و طراحی میز استفاده گردید. در ادامه آموزش های لازم نیز از طریق تشکیل کارگاه های آموزشی برای آموزش مردم راه اندازی شد.

مرحله ششم: طراحی و تهیه مدل بازسازی و احیا (اجرا)

از آنجا که مهمترین مسئله در تامین زیرساخت های شهر، دفع آب های سطحی و زه کشی بود و شهر با کمبود تکنولوژی زه کشی و خیابان کشی رو به رو گردید، در این مرحله مهندسان مدلی برای بازسازی و احیا پیشنهاد دادند که در دستور کار قرار گرفت.

مرحله هفتم: اجرای طرح (اجرا)

در اجرای طرح ، از نیروهای محلی و به ویژه زنان استفاده گردید و طرح از طریق کارشناسان مورد نظارت و ارزیابی قرار گرفت. به منظور اجرای زیرساخت ها ، که نیازمند نیروهای متخصص بود، از افراد صاحب نظر استفاده گردید.

مرحله هشتم: بیان جزئیات و فعالیت ها و نتایج (درس آموختن)

اصلاح زیرساخت ها، استفاده از تکنولوژی ساخت مناسب و پایدار، شرکت تمامی گروه های سنی در کارگاه ها و کلاس های آموزشی به منظور ارتقاء مهارت ها و افزایش نقش زنان در ساخت و ساز، تقویت هویت فرهنگی، احیای مجدد مهارت های سنتی، بازسازی برخی خانه های قدیمی، ایجاد مراکز اجتماعات محلی برای ملاقات های گروهی، کارهای فرهنگی و آموزشی به منظور ادامه ی فعالیت ها در آینده، از بین رفتن فاصله میان اجتماعات مذهبی قومی مختلف و ارتقاء شرایط زندگی (ظرابی و تهرانی، ۱۳۸۸).

۳. مزیت های مشارکت عمومی با تاکید بر بازآفرینی شهری

استفاده از مشارکت های مردمی/عمومی بستر بازآفرینی شهری را فراهم می آورد. این مهم نقش مردم را در تصمیم گیری های محلی و شهری با اهمیت جلوه می دهد؛ لذا می توان مزیت های مشارکت شهروندان در بازآفرینی شهری را در ۳ گروه استفاده کنندگان، تصمیم سازان، تصمیم گیران و مجریان بررسی نمود:

• مزایایی برای استفاده کنندگان:

- سهمین شدن مردم در قدرت و به دست گرفتن کنترل روند بهسازی و نوسازی در بافت
- افزایش سطح آگاهی های عمومی ساکنین بافت به لحاظ اجتماعی و حقوقی
- ایجاد حس مسئولیت اجتماعی و تعلق به محیط زندگی

- دخالت ارزشهای اجتماعی- فرهنگی مردم ساکن درون بافت فرسوده در تصمیم گیریها
- افزایش حس تعلق ساکنین و حفاظت و نگهداری آنها از اقدامات انجام گرفته درون بافت
- تقویت شبکه های اجتماعی محلی
- ایجاد علاقه و اعتماد مردم برای توسعه و پیشرفت
- تقویت همبستگی اجتماعی و روحیه همکاری و همدلی ساکنان محلی
- بازگرداندن مستقیم منافع طرحها به ساکنین اصلی بافت فرسوده
- مزایایی برای تصمیم سازان و تصمیم گیران:
- بالارفتن کیفیت طرحها و برنامه های نوسازی و بهسازی شهری
- اتخاذ تصمیمات درست تر و منطقی تر به لحاظ تصمیم گیری جمعی
- افزایش شناخت برنامه ریزان و طراحان نسبت به معضلات و تواناییهای بافت فرسوده
- کاهش درگیریها و مناغشات
- مزایایی برای مجریان:
- پذیرش طرحها به وسیله مردم و عدم عکس العمل های منفی نسبت به آن
- گسترش امکانات و منابع مالی مورد نیاز اقدام در بافت فرسوده
- کاهش هزینه و زمان اجرای طرح های نوسازی و بهسازی شهری
- ازدیاد نیروی انسانی مورد نیاز جهت پیشبرد اقدامات محلی

مشارکت عمومی از مهمترین اصول و مقدمات موفقیت در بازآفرینی شهری است. برقراری مشارکت عمومی در بازآفرینی شهری نیازمند حمایت قانونی است و باید برای آن چارچوبی حقوقی در نظر گرفته شود که ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و کالبدی را در بر بگیرد (موسوی، ۱۳۹۷).

۴. مفهوم بازآفرینی شهری

مفهوم بازآفرینی شهری به احیاء تجدید حیات و نوزایی شهری و به عبارتی دوباره زنده شدن شهر اشاره دارد. این رویکرد پس از چالش های فراوان در راستای رویارویی با معضل فرسودگی شهرها به عنوان رویکردی یکپارچه و در برگیرنده ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، مطرح گردیده است (نقل در امین زاده و بیگی ثانی، ۱۳۹۱).

باز آفرینی شهری امروزه یک اصل کلیدی در عمل برنامه ریزی بوده و به علت داشتن رویکرد راهبردی و بلند مدت تر بودن و داشتن اهداف اقتصادی و اجتماعی در کنار اهداف کالبدی فراتر از فرایند مرمت شهری، توسعه شهری یا توان بخشی شهری عمل می کند (تارکی^۱، ۲۰۱۰، نقل در فلاح زاده و پاتی، ۱۳۹۴). بازآفرینی شهری طیف وسیعی از فعالیت ها را در برمی گیرد که هدف آنها احیای بافت های شهری، تجدید حیات اجتماعی و اقتصادی بافت ها، احیای ساختمان ها، زیرساخت ها و تاسیسات شهری

¹. Tarkay

و در حال کلی تزریق زندگی به بافت ها است به این معنی که می توان از بازآفرینی به محوریت توسعه املاک، اشاعه ای فرهنگ، حمایت اجتماعی، حفاظت از میراث، تعادل زیست محیطی و مانند آن نام برد (امین زاده و بیگی ثانی، ۱۳۹۱).

بازآفرینی شهری شامل احیای مناطق ناخوشایند شهری است، از طریق اقداماتی نظیر: توانبخشی مناطق تاریخی، بهبود شرایط زندگی در مناطق مسکونی، بازسازی فضاهای عمومی مانند پارک ها، مبلمان شهری و غیره، نوسازی زیرساخت های شهری: شبکه های آب، گاز، برق و حمل و نقل. این مهم به واسطه ی همکاری بین موسسات، دانشگاه ها، شهرداری ها، انجمن های محیط زیست و سایر سازمان ها به دست می آید (آلپاپی^۱ و مانول^۲، ۲۰۱۳).

باید اذعان داشت لازمه بازآفرینی پایدار شهری، همکاری گروه های محله ی و رسیدن به توافق عمومی است. با اتحاد و ائتلاف یکپارچه تشکیل شود و ظرفیت گروه های ذینفع برای مشارکت و رهبری فرایند بازآفرینی شهری توسعه یابد. سرمایه های اجتماعی محله در افزایش امکانات محله مشارکت داشته باشند. تا بازآفرینی پایدار شهری رخ دهد. پس بدون در نظر گرفتن فرهنگ و اجتماع، دست یابی به بازآفرینی یکپارچه، امری غیر ممکن تلقی می شود. و عامل فرهنگ و اجتماع به عنوان راهبرد های توسعه ای بسیار مهم در مقیاس های محلی و جهانی در رویکرد بازآفرینی یکپارچه مطرح است. استفاده از ارزش های تاریخی و فرهنگی و عنوان منابعی برای توسعه و توجه به گذران اوقات فراغت مردم و همچنین توجه به منافع مالی و اقتصادی در پروژه های شهری و مشخص کردن مسیر این سرمایه گذاری در راستای ایجاد مراکز فرهنگی و هنری از مهمترین وجوه بازآفرینی است.

در متون تخصصی اخیر دنیا، واژه "بازآفرینی شهری" به عنوان یک واژه عام که مفاهیم دیگری نظیر بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمند سازی و روان بخشی شهری را در بر می گیرد، به کار می رود. بازآفرینی شهری به مفهوم تجدید حیات و نوسازی شهری و به عبارتی دوباره زنده شدن شهر یا بازآفرینی شهری^۳ است. واقعیت این است که مهمترین عامل فرسودگی بافت های شهری، افول اقتصادی که باعث خروج بخش هایی از شهر از چرخه ی حیات شهری می گردد (آیینی و اردستانی، ۱۳۸۸). تمرکز بازآفرینی شهری برای رسیدن به یک جامعه بهتر است.

نقش بازآفرینی شهری، کشف نیروها و عواملی است که افت شهری را به وجود آورده اند و اتخاذ واکنش مثبت و پایداری است که به بهبود مستمر و کیفی حیات شهری منجر می گردد. رابرتز از اصلی ترین نظریه پردازان در این حوزه به شمار می آید و بر اهمیت حمایت از جمعیت محلی و درگیر سازی آنها در فرایند بازآفرینی تاکید دارد. از دیدگاه او، به طور کلی نقش مشارکت در رویکرد بازآفرینی شهری از سه جنبه حائز اهمیت است:

¹ Alpopi

² Manole

³ Urban Regeneration

اهمیت پیچیده و چند بعدی افت شهری که طیف وسیعی از فعالان را در جهت رفع آن درگیر اجرای برنامه های بازآفرینی شهری می نماید.

تمرکز گرایی قدرت و تفکیک وظایف در سازمان های شهری که شکست این تمرکز گرایی و مشکل نمودن سازمان ها در برابر هر یک از مشکلات نیازمند تاکید بر جایگاه مشارکت بر بازآفرینی است. نیاز به بودجه برای اجرای ایده های جدید در بازآفرینی، شهری که مشارکت دسته وسیعی از فعالان شامل بخش های عمومی، خصوصی، سازمان ها و نهاد های اجتماعی و داوطلب محلی را می طلبد (امین زاده و رضا بیگی، ۱۳۹۱).

با توجه به مبانی نظری مطرح شده در حوزه مطالعات بازآفرینی شهری و تعریف آن، می توان اصول و مبانی بازآفرینی شهری را که منعکس کننده چالش های تغییر و تحول شهری و نتایج آن باشد به شرح زیر دانست (کمری و زلفی گل، ۱۳۹۳):

- مبتنی بر یک تحلیل کامل از منطقه ی شهری مورد نظر بوده و در پی اصلاح همزمان ساختار فضای کالبدی بافت، ساختار اجتماعی، پایه های اقتصادی و شرایط محیطی آن منطقه باشد.
 - در جهت رسیدن به اصلاح همزمان، از یک استراتژی جامع و کامل استفاده کند، و با راه حل های دقیق و از پیش معلوم شده، قطعی و علمی با مشکلات روبه رو شود.
 - در پی مشارکت حداکثری و همراهی تمامی ذی نفعان باشد.
 - دارای اهداف عملیاتی واضح و مشخص، قابل بسط به مکان مختلف و دارای کیفیت مطلوب باشد.
- بازآفرینی شهری با تکیه بر اصول شهرسازی اجتماعی و رویکردی یکپارچه، فرصت دستیابی به سکونتگاههای پایدار انسانی را فراهم میآورد (ایزدی، روستا و امیری، ۱۳۹۲). ضرورت توجه و اهمیت بازآفرینی شهری تا به آنجا است که در ۱۵۰ سال گذشته نیز بازآفرینی شهری به مسائل ذیل مربوط می شد:

- بهبود بهداشت و درمان عمدتاً با آب و فاضلاب، جمع آوری زباله و خیابان ها آسفالت و تمیز؛
- ساخت زیرساخت ها و امکانات جدید شهری مانند راه آهن ایستگاه، مدارس، دانشکده، دانشگاه، بیمارستان ها، و غیره.

-ساخت مسکن با حداقل استانداردها؛

- کنترل رشد و توسعه شهری، توسعه سیستم های حمل و نقل شهری؛
 - طراحی شهری مدرن، بازسازی آسیب های زمان جنگ به خصوص پس از جنگ جهانی دوم؛
 - ساخت و ساز زیرساخت ترافیکی جدید؛
 - بازسازی مناطق صنعتی و منسوخ شده؛
 - در نظر گرفتن مسائل اجتماعی؛
 - و در نهایت اهداف، اصول و فن آوری های توسعه پایدار شهری بود.
- اما امروزه بازآفرینی شهری شامل موضوع های مختلف ذیل می شود.
- ۱-تجدید حیات زندگی در شهرها و شهرک ها؛

۲- ارتقاء راه حل های پایدار؛

۳- توسعه اقتصادی؛

۴- راه حلی برای مناطق دارای مسائل و ناهنجاری های اجتماعی؛

۵- اقدامات زیست محیطی؛

۶- قابلیت دسترسی و اتصال به امکانات و زیرساخت ها (موسوی، ۱۳۹۳).

امروزه بازآفرینی شهری بر ارتقاء راه حل های پایدار، ارتقاء شرایط کیفی زندگی در سکونت گاه ها از طریق ایمن سازی و مقاوم سازی ساختمان ها، توسعه و بهبود زیر ساخت ها و فضاهای عمومی شهر ها به ویژه تجهیز مراکز تاریخی، تامین خدمات شهری مورد نیاز، ایجاد فرصت های شغلی، آموزش ساکنان، تقویت نهادهای مدیریت محلی و دفاتر خدمات محلی مردم نهاد، توسعه اقتصادی، حل مسائل و ناهنجاری های اجتماعی و اقدامات زیست محیطی تاکید دارد.

۵- نتیجه گیری

"بازآفرینی شهری" به عنوان فرآیند دائمی (نه مقطعی) یاد شده است و فرسودگی امری همیشگی قلمداد گردیده است. نتیجه قابل توجه این است که بازآفرینی شهری راهبرد مداوم است که بنا بر شرایط موضع عمل خود را تعیین می کند. توجه به شهرسازی نرم و شکل دادن به مداخله ی آگاهانه در چارچوب استخوان بندی اصلی شهر، بازگذاشتن امکان استفاده آزاد شهروندان در آن مورد توجه در آمده است. توجه به کارکرد مجموعه های به وجود آمده، تزریق فعالیت های جدید در آمیزه ای از ساختارهای کالبدی قدیم و جدید، ایجاد فضاهای متنوع برای استفاده های متنوع شهروندان، حفاظت از کلیت تاریخی-مفهومی شهر قابل بازیابی است. ساخت این طرح های جدید و جایگزین کردن عناصر شهر کلاسیک با هم ارزش قرن بیست یکمی و یا تغییر کاربری (بازآفرینی کارکردی) و ارتقاء برخی از آنها به عنوان عاملی جهت دهنده به توسعه های شهری و رونق دهنده به اقتصاد نوین شهر شناخته می شود (کمری و زلفی گل، ۱۳۹۴).

باید اذعان داشت که امروز بازآفرینی شهری صرفا به عنوان مرمت فضاها های شهری و کالبدی محسوب نمی شود و رسالت اصلی آن زنده و پویا نمودن انسان در زمینه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، عمرانی و .. است. بستر این مهم در مشارکت عمومی شهروندان در نیل به توسعه پایدار شهری نهفته است. مشارکت عمومی به عنوان محرکه ی بازآفرینی شهری می باشد.

در کتاب ها و تألیفات مختلف، دلایل زیادی در لزوم مشارکت جوامع محلی در فرآیند بازآفرینی شهری آمده است که شامل این موارد است:

- برای ساکنان محلی، احساس مسئولیت اجتماعی و تعهدی مداوم را در برابر پروژه ها ایجاد می کند

- ساکنان محلی تجارب دست اولی از مشکلات و مسائل محله به دست می آورند و در نتیجه آگاهی زیادی از اولویت های محلی، که اغلب با دیدگاه نهادهای تأمین کننده مالی پروژه ها متفاوت است، می یابند.

- در برنامه ریزی و فرآیند انجام کارها قرار می گیرند.
- در تهیه وسایل و تجهیزات محلی کمک می کنند
- به دیدگا ها و پیشنهادات ساکنین اهمیت داده می شود.

۶.ارائه راهکارها

با توجه به ادبیات نظری موضوع و ضرورت مشارکت شهروندان در زمینه ی بازآفرینی شهری پیشنهاداتی جهت نیل به این مهم ذکر می گردد:

- تشکیل دفتر توسعه محله
- شناسایی کانون ها و مراکز تجمع محلات و مراکزی که حضور حداکثری مردم است نظیر: مساجد، حسینیه ها، پارک ها و
- برگزاری کارگاه های آموزشی در خصوص مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، بهداشتی و .. جهت آگاه سازی ساکنین.
- شناسایی افراد نخبه و توانمند مناطق و محلات برای مشارکت
- برگزاری همایشات محلی تحت عنوان بازآفرینی شهری
- تشکیل مجمع خیرین در راستای حل مشکلات منطقه
- استفاده از ظرفیت ها و پتانسیل های مدیریت شهری، دستگاه های دولتی (مکاتبات اداری/ بازدید).
- تدوین و ارائه بروشورهایی در زمینه اقدامات انجام شده در حوزه ی بازآفرینی شهری

۷. منابع

- امین زاده، بهناز و رضاییگی، ثانی (۱۳۹۱). ارزیابی جایگاه مشارکت در طرح های منظر شهری به منظور ارائه فرآیند مناسب بازآفرینی بافت های آسیب دیده، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۱۷ (۳)، ۳۹-۲۹.
- ایزدی، محمد سعید؛ روستا، مجید و امیری، نگین (۱۳۹۲). سیری بر تجربه شهرسازی اجتماعی (مشارکتی) در بازآفرینی محلات غیررسمی شهر مدلین در کشور کلمبیا، نشریه هفت شهر، ۴ (۵۳ و ۵۴)، ۱۵۱-۱۳۴.
- آیینی، محمد و اردستانی، زهرالسادات (۱۳۸۸). هرم بازآفرینی و مشارکت مردم، معیار ارزیابی برنامه های توسعه درون زای شهری (نمونه موردی، رویکرد قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه ی مسکن به بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری)، نشریه ی هویت شهر ۳ (۵)، ۵۸-۴۷.
- رجبی، آریتا و حصاری نژاد، جعفر (۱۳۹۲). شرکت های مردم نهاد شهری؛ راهکاری برای مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، ۴، ۱۳۰-۱۱۰.
- رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵). مشارکت اجتماعی هدف یا ابزار توسعه، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۳ (۱۰۹ و ۱۱۰)، ۶۳-۵۴.
- ظرابی، المیرا و فرید تهرانی، سایه (۱۳۸۸). رویکرد مشارکت جویانه در نوسازی و بهسازی بافت های فرسوده شهری، نشریه علمی-پژوهشی آرمانشهر، ۲ (۳)، ۴۶-۴۲.
- فلاح زاده، سجاد و محمودی پاتی، فرزین (۱۳۹۴). اولویت بندی سیاست های مشارکتی در بازآفرینی شهری با تاکید بر احتمال وقوع ناسازگاری میان بهره وران؛ مطالعه موردی: برنامه بازآفرینی بافت قدیم آمل، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری، ۱۵ (۵)، ۱۶-۵.
- کشاورز، مهناز (۱۳۹۵). بازآفرینی شهری با تاکید بر مشارکت مردمی مورد پژوهش: بافت ناکارآمد شهر خرم آباد، کنفرانس بین المللی نخبگان عمران، معماری و شهرسازی، تهران"، موسسه سرآمد همایش کارین.
- کمری، زهرا و زلفی گل، سجاد (۱۳۹۳). بازآفرینی فضاها ی شهری کهن با رویکردی زیبا شناختی (نمونه مطالعاتی: محله برج قربان همدان)، نشریه مطالعات محیطی هفت حصار، ۸ (۲)، ۴۰-۲۹.

-معینی فر، فاطمه؛ پاکشیر، عبدالرضا؛ شعله، مهسا و حاجی پور، خلیل (۱۳۹۲). بازفرینی بافت های فرسوده شهری با رویکرد مشارکت جویانه در جهت نیل به اهداف توسعه پایدار (نمونه موردی: محله یمهدی آباد شیراز)، اولین کنفرانس معماری و فضاهای شهری پایدار؛ مشهد، گروه پژوهشی های کاربردی پرمان.

-موسوی، سید رفیع (۱۳۹۷). سیری در مفهوم شناسی تکوینی بازآفرینی شهری، برگرفته از سایت اینترنتی: http://www.aftabir.com/articles/view/applied_sciences/social_science

-یزدانیان، احمد و کشت کار، وحید (۱۳۹۲). تاثیر حوزه عمومی بر مشارکت شهروندان در امور شهری، با تاکید بر بازآفرینی شهری، نشریه هفت شهر، ۴(۵۳و۵۴)، ۱۵۷-۱۷۳.

-Alpopi, C., and Manole, C. (2013). Integrated Urban Regeneration–Solution for Cities Revitalize. *Procedia Economics and Finance*, 6, 178–185.